info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۶۷۵

سه‌شنبه / ۴ دی / ۱۴۰۳

۱۲ / جمادی الثانیه / ۱۴۴۶

24 / December / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان

مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری

نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری

تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱

امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰

چاپ: کارگر

فال روز

امروز با حافظ

هزار نقد به بازار کائنات آرند

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

دریغ قافله عمر کان چنان رفتند

که گردشان به هوای دیار ما نرسد

خوانش

هر کجا نظمیست شیرین

قصه‌های عشق تست

هر کجا نثریست زیبا

نامه‌های ناز تست

سنایی

اذان

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۳	۰۷:۱۴	۱۲:۰۷	۱۶:۵۸	۱۷:۱۸

برگه

هیچ چیز هرگز از بین نمی‌رود مگر آنچه را که باید بدانیم، به ما یاد داده باشد...

پماچودرون

برش

موز ۶ میلیون دلاری؛ هنر یا هدر؟

جلستین سان صاحب ارز دیجیتال ترون یک اثر هنری را که موزی به دیوار چسبیده بود را با قیمت ۶میلیون دلار خرید و جلوی خبرنگاران خورد. در این گزارش ابعاد متفاوت این ماجرا بررسی شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، تقریباً همه جریان موز ۶ میلیون دلاری را شنیده‌اند. اما اگر هنوز کسی از آن ماجرا خبر ندارد باید بگوییم متأسفانه یک موز چسبیده به دیوار را به عنوان یک اثر هنری معرفی کرده‌اند و فردی به قیمت ۶میلیون دلار این اثر هنری را خریده و در مقابل رسانه‌ها آن را خورد.

رسانه‌های خارجی این چنین نوشتند: جلستین سان، مجموعه‌دار چینی-آمریکایی که از او به عنوان بنیان‌گذار پلتفرم ارزهای دیجیتال «ترون» نیز یاد می‌شود در یک هتل مجلل در هنگ کنگ، مقابل دهها روزنامه‌نگار و اینفلوئنسر، موز را بلعید. این کارآفرین ۳۰ ساله پیش‌تر در سخنانی، اثر هنری باد شده را «نمادین و الهام‌بخش» خوانده و آن را عنصری فرهنگی توصیف کرد که هنر مفهومی، میم‌ها و جامعه ارزهای دیجیتال را به هم پیوند می‌دهد. جلستین سان پس از گاز زدن نخستین تکه از موز ۶.۲ میلیون دلاری به نوربین‌های خبرنگاران و تماشاگران گفت: «واقعاً خیلی خوشمزه است! این خیلی بهتر از بقیه موزهاست».

اثر هنری!

قبل از درجیزی، اثر هنری نامیدن این موز را واقعاً درست نمی‌دانم، همچنین نکته جالب این ماجرا آن است که اگر اسم یک موز چسب زده را اثر هنری می‌نامید، پس باید به کسی بفروشید که ارزش یک اثر هنری را بداند، نه آنکه آن را به داخل معده خود روانه کند! سوالی که ذهن برخی را درگیر کرده این است که اثر هنری مگر خوردنی می‌شود؟ مثلاً فکر کنید یک تابلو نقاشی را بشود خورد! نکته بعدی این است که آن موز تا زمانی به قول خودشان، یک اثر هنری به حساب می‌آید که به دیوار چسبیده بود و همچنین تازه بود. به محض اینکه از دیوار جدا شد دیگر اثر هنری نیست. اصلاً وقتی موز سیاه شود و فاسد شود آن اثر هنری از بین می‌رود! مگر یک اثر هنری تمام می‌شود؟

سوال بعدی آن است که اصلاً یک اثر هنری چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد که بشود نام آن را اثر هنری گذاشت؟ کار هنری و اجرا شده یک اثر را اثر هنری می‌گویند که به عنوان ارزش زیبایی شناسی تولید شده باشد! آیا یک موز با چسب روی یک دیوار ارزش زیبایی شناسی دارد؟ اگر این باشد پس میوه‌های رنگارنگ بازار تجریش را می‌شود خیلی گران‌تر از ۶.۲ میلیون دلار فروخت.

مرض دیده شدن

امروزه متاسفانه که خودمان دیده‌ایم، شاهد کارهای عجیب و غریب از آدم‌های معروف و غیر معروف هستیم که متأسفانه فقط برای دیده شدن و سر زبان‌ها افتادن این کارها را انجام می‌دهند. بازدید میلیونی از ویدئوهای اینستاگرامی و چه و چه دلیل کارهای مسخره‌ای شده است. همین موز چسب زده که به این قیمت به فروش رسیده یکی از کارهایی است که برای دیده شدن انجام شده.

فرض کنید در یک مهمانی خانوادگی نشسته‌اید و مشغول میوه خوردن هستید. یک موز بر می‌دارید و نوش جان می‌کنید و یک دفعه کلی نوربین جلوی شما کاشته می‌شود تا بدانند موزی که خوردید چطور بود! خنده دار است که شما بابت یک موز کلی پول بدهی و آن را جلوی صدها نوربین بخوری و در آخر هم بگویی این خیلی بهتر از موزهای دیگر است. حرف جلستین سان درباره موزی که خورد به قدری مضحکانه است که یاد آور سکانسی از فیلم خانه به دوش است. آن جایی که آقا مائاشاله از هندوله‌هایی که می‌فروشد کلی تعریف می‌کند و علی پسرش با ضربه به هندوله می‌گوید: «توش موزه موز!» حالا لگار واقعا داخل موزی که جلستین سان خورده موز بوده.

دنیای پولدارها

آن موز چسبیده به دیوار که لمسش را اثر هنری گذاشتند و به قیمت ۶.۲ میلیون دلار فروختند را حساب کنید که می‌تواند چندین نفر را از گرسنگی در دنیا نجات دهد. اگر میلگین یک پرس غذا را جیزی حدود ۲۷ دلار در نظر بگیریم، با پول آن موز می‌توان ۲۳۰ هزار نفر را اطعام کرد! اینکه چیزی نیست، ۶ میلیون دلار را برای یک اثر هنری خرج می‌کنند در صورتی که مردم شمال غزه محتاج یک تکه نان هستند. دهها هزار نفر در شهر غزه، نوعی آب و غذا مددکنید، آن وقت یک نفر جلوی چشم همه برای یک میوه تقدیر پول می‌دهد و کسی هم به او نمی‌گوید «پس لسلیت کجا رفته؟». در همان غزه هزاران کودک و زن فلسطینی به دلیل گرسنگی به شهادت رسیدند. اگر جلستین سان یک اشتباه کرده، کسانی که با او مصاحبه کردند و از این حرکت او رپورتاژ خبری رفتند، صد اشتباه کردند. اگر لحظه‌ای به انسلیت فکر می‌کردند یا اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را رعایت کرده بودند، هیچ‌گاه چشمان مظلوم کودکان فلسطینی از یادشان نمی‌رفت. بعضی از رسانه‌ها طوری رفتار می‌کنند که لگار دنیا فقط برای پول‌دارها است و مردم معمولی جایی در این دنیا ندارند...

هنر واقعی در برابر هنر غیرواقعی

حالا اینجاست که منتقدان جلستین سان دست به کار شدن تا اثرهای هنری واقعی را تولید کنند. آنها با کشیدن کاریکاتورهایی از این ماجرا هنر خودشان را به نمایش گذاشتند.

«فادی لوحسن» کاراکتورسازی که در حمایت از غزه بارها کاریکاتورهای معروفی را کشیده و واکنش رژیم صهیونیستی را به همراه داشته، لوغوز گوگل که کاریکاتورهایی را در بخش سیاسی کشیده است و همچنین «آلن مک‌دونالد» یکی دیگر از کاریکاتوریست‌هایی هستند که در نقد این ماجرا دست به کار شدند. مک‌دونالد کاریکاتورهایی درباره تبعیض نژادی، سیاست و مسائل این‌چنینی کشیده. او نام اثری که در نقد ماجرای موز چسب زده کشیده بود را «هنر کشتن» نامیده است.

گزارش روز

کالبد شکافی یک شایعه

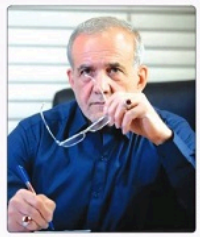

در روزهای اخیر، شایعه‌ای مبنی بر استعفای رئیس‌جمهور در فضای مجازی منتشر و به سرعت به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات خبری کشور تبدیل شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، در روزهای اخیر، شایعه‌ای مبنی بر استعفای رئیس‌جمهور در فضای مجازی منتشر و به سرعت به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات خبری کشور تبدیل شد. این شایعه، که با سرعتی خیره‌کننده گسترش یافت، هنوز پیامدهایی در فضای سیاسی و اجتماعی دارد.

علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور، در واکنش به این موج، در حساب شخصی خود نوشت: «این روزها مطلبی راجع به استعفا، هرچند کم‌اثر و محدود در فضای مجازی دیدم. چنین مواضعی در داخل و انتشار آن به این سرعت برایم غریب بود. در صحبتی که با چند کارشناس فضای مجازی داشتم، با پیگیری اولین توییت دریافتیم سرنخ اولیه نارازی‌ها، بهبود معیشت و تحقق وعده‌های انتخاباتی دکتر پزشکیان است. دولت به دروغ‌های شاخدار مثل استعفای رئیس‌جمهور با هدف جذب فالوور، توجه نمی‌کند و گرفتار حاشیه‌ها نمی‌شود»یکی دیگر از جنبه‌های عجیب این ماجرا، ورود مریم رجوی، سرکرده گروهک منافقین، به این داستان است. رجوی یک کمپین هماهنگ روئی می‌داند. ربیعی همچنین به نقش برخی فعالان داخلی در تقویت این شایعات اشاره و از هم‌صدایی ناخواسته آنان با اهداف مخرب خارجی ابراز تأسف کرد.

از بلاگرهای اینستاگرامی تا پیشگوها و منافقین!

یکی از ویژگی‌های این موج خبری، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای گسترش سریع و هوشمندانه شایعات بود. در میان افرادی که به این ماجرا دامن زدند، به عنوان مثال یک بلاگر معروف اینستاگرامی به نام آیسان که در آمریکا زندگی می‌کند، نقش برجسته‌ای داشت. وی با تعریف یک داستان، به این شایعه جانی تازه بخشید. در یکی از استوری‌هایش، آیسان ادعا کرد که در خواب دیده است همسر رئیس‌جمهور گفته: «خوست ندارم همسر رئیس‌جمهور باشد. به اوگویید استعفا کند». این نوع روایت‌پردازی همزمان با مطرح بودن چنین سوژه‌ای در شبکه‌های اجتماعی نشان از برنامه‌ریزی شده بودن این ماجرا دارد.

پیش از اظهارات ربیعی، علی احمدنیا، سرپرست امور اطلاع‌رسانی دولت، در صفحه شخصی خود نوشت: «جریانی در ماه‌های اخیر از سکوت آگاهانه دولت سوءاستفاده و با بی‌صداقتی به رئیس‌جمهور حمله می‌کند. اولویت دولت رفع نارازی‌ها، بهبود معیشت و تحقق وعده‌های انتخاباتی دکتر پزشکیان است. دولت به دروغ‌های شاخدار مثل استعفای رئیس‌جمهور با هدف جذب فالوور، توجه نمی‌کند و گرفتار حاشیه‌ها نمی‌شود»یکی دیگر از جنبه‌های عجیب این ماجرا، ورود مریم رجوی، سرکرده گروهک منافقین، به این داستان است. رجوی این اظهارات نشان می‌دهد که دولت منشأ این شایعات را در خارج از کشور و بخشی از نظرمی‌رسد تلاش داشت تا این روایت را در سطح گسترده‌تری گسترش دهد.

بازی در زمین دشمن برای زدن گل به خودی!

تجربه تاریخی نشان داده است که رهبر انقلاب همواره با استعفا یا برکناری دولت‌ها مخالف بوده‌اند. در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸، حسن روحانی در نشست خبری خود اعلام کرد که دوبار استعفای خود را با رهبری مطرح کرده اما هر دو بار با مخالفت شدید ایشان مواجه شده است.

رهبر انقلاب در واکنش به این درخواست‌ها صراحتاً فرمودند: «حتی اجازه نمی‌دهم یک ساعت زودتر مسئولیت را تحویل دهید» همچنین در مردادماه ۱۳۹۷، ایشان برکناری دولت را «بازی کردن در نقشه دشمن» دانسته و تأکید کردند: «این‌هایی که خطاب می‌کنند به دولت که بایستی دولت برکنار بشود، این‌ها دارند در نقشه دشمن کار می‌کنند. نخیر، دولت باید با قوت سر کار بماند»در سال ۹۹ نیز، زمانی که در مجلس بازنده طرح استیضاح رئیس‌جمهور زمزمه می‌شد، مقام معظم رهبری با در نظر گرفتن مصالح نظام اسلامی، بر ضرورت ادامه کار دولت تا پایان دوره قانونی تاکید کردند و فرمودند: «سال آخر دولت‌ها معمولاً سال حساسی است و باید مراقبت شود که پیگیری امور به هیچ وجه سست نشود» این مواضع، نشان‌دهنده درایت و تدبیر ایشان در جلوگیری از تزلزل دولت‌ها و حفظ ثبات کشور است.

درهمین خصوص شهاب الدین طباطبایی که تقویت همبستگی ملی در شرایط بحرانی، راهی است که می‌تواند کشور را از چالش‌های پیش‌رو عبور دهد.

دیدگاه

نیروی نیابتی کجاست؟

سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار با مداحان، تاریخی بود. گویی فرزند فاطمه زهرا سلام‌الله علیها خواست در روز ولادت مادر خویش، خطابه‌ای متأسی از خطبه فدکیه ایراد کند. خطابه‌ای که باطل‌لحر جانوگرائی بود که پس از سقوط بشار اسد، با وردهای افسون‌آمیز خود در حال تسخیر اذهان ملل غرب آسیا هستند. خطابه‌ای که بی‌معنا بودن پیشگویی‌های کاهنانه دشمن را به رخ کشید و عمق اشتباه محاسباتی او را با چند کلمه عیان کرد.

مهم‌ترین ظلمی که جبهه حق از جلب جبهه باطل متحمل می‌شود آن است که اهل باطل از شناخت حق عاجز می‌مانند. روضه‌خوان‌ها گاهی زبان حال حضرت زهرا سلام‌الله علیها را خطاب به سیدالشهدا علیه‌السلام این‌گونه می‌خوانند: «پسرکم! تو را نشناختند؟! این نشناختن البته گاهی برآمده از همان حماقت ذاتی جبهه باطل است که ما آن را شکر می‌کنیم؛ «الحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء» و گاهی نیز دلگیر می‌شویم از آنکه چگونه ممکن است اهل باطل، این‌قدر از درک اهل حق دور باشند. این روزها، نمایش کاملی از درک ناقص حق توسط باطل را شاهدیم. ازجمله این تفهیمین‌ها، پایکوبی ظاهری دشمن از سقوط حکومت سابق سوریه و از دست رفتن رجبی از عناصر وفادار به جمهوری اسلامی ایران است. آنچه دشمن القا می‌کند، نوعی فتح سنگر به سنگر است! به این ترتیب که ابتدا حماس را نابود کردیم، سپس حزب‌الله را، سپس سوریه‌ی بشار اسد را و درنهایت مأمده یمن که نابود شود آن را هم نابود می‌کنیم و می‌رویم سراغ خود ایران و با قطع کردن سر ازدها (!) فاتحه مقاومت برای همیشه خوانده می‌شود.

اجازه بدهید کمی بیشتر در این قصه تعمق کنیم. منظور دشمن از نابودی حماس، سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار با مداحان، تاریخی بود. گویی فرزند فاطمه زهرا سلام‌الله علیها خواست در روز ولادت مادر خویش، خطابه‌ای متأسی از خطبه فدکیه ایراد کند. خطابه‌ای که باطل‌لحر جانوگرائی بود که پس از سقوط بشار اسد، با وردهای افسون‌آمیز خود در حال تسخیر اذهان ملل غرب آسیا هستند. خطابه‌ای که بی‌معنا بودن پیشگویی‌های کاهنانه دشمن را به رخ کشید و عمق اشتباه محاسباتی او را با چند کلمه عیان کرد.

مهم‌ترین ظلمی که جبهه حق از جلب جبهه باطل متحمل می‌شود آن است که اهل باطل از شناخت حق عاجز می‌مانند. روضه‌خوان‌ها گاهی زبان حال حضرت زهرا سلام‌الله علیها را خطاب به سیدالشهدا علیه‌السلام این‌گونه می‌خوانند: «پسرکم! تو را نشناختند؟! این نشناختن البته گاهی برآمده از همان حماقت ذاتی جبهه باطل است که ما آن را شکر می‌کنیم؛ «الحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء» و گاهی نیز دلگیر می‌شویم از آنکه چگونه ممکن است اهل باطل، این‌قدر از درک اهل حق دور باشند. این روزها، نمایش کاملی از درک ناقص حق توسط باطل را شاهدیم. ازجمله این تفهیمین‌ها، پایکوبی ظاهری دشمن از سقوط حکومت سابق سوریه و از دست رفتن رجبی از عناصر وفادار به جمهوری اسلامی ایران است. آنچه دشمن القا می‌کند، نوعی فتح سنگر به سنگر است! به این ترتیب که ابتدا حماس را نابود کردیم، سپس حزب‌الله را، سپس سوریه‌ی بشار اسد را و درنهایت مأمده یمن که نابود شود آن را هم نابود می‌کنیم و می‌رویم سراغ خود ایران و با قطع کردن سر ازدها (!) فاتحه مقاومت برای همیشه خوانده می‌شود.

شهادت دهها هزار زن و کودک ساکن نوار غزه است؛ به علاوه فرماندهان بزرگ این جنبش از جمله شهید اسماعیل هنیه و شهید یحیی السنوار. باتوجه به آنکه صدها اسیر صهیونیست بیش از یکسال پیش توسط حماس دستگیر شده‌اند؛ اکنون که به بیان رژیم غاصب حماس نابود شده، باید شاهد بازگشت این اسرا به خانواده‌هایشان باشیم، این اسرا هنوز برنگشته‌اند. پس حماس نابود نشده است.

پس آنچه رژیم در این یک سال و اندی در غزه و در قبال حماس انجام داد، تنها و تنها دو رویکرد داشته است: کشتن بی‌محابای انبوه بی‌پناهان، کشتن مخفیانه و از پشت‌سر یا غافلگیرانه چند تن از فرماندهان. نه تیر و نه قتل‌عام معنای جنگیدن نمی‌دهد؛ هر نوی به طرف مقابل، بدون جنگیدن است.

منظور دشمن از نابودی حزب‌الله لبنان، شهادت فرماندهان رده بالای این سازمان مقدس از جمله شهید سیدحسن نصرالله و شهید سیدهاشم صفی‌الدین و همچنین شهید یا جابجا شدن شمار قابل توجهی از افراد میان‌رده این سازمان در انفجار پیجرها و بیسیم‌هاست. پس حالا که حزب‌الله به‌زعم اشغالگران نابود شده، معنا ندارد آتش‌بسی میان ارتش اشغالگر با این گروه انجام‌شده باشد. با عدم گمانه‌زنی آتش‌بس امضا کرد. اما این اتفاق افتاد. پس‌از آنکه آسمان حیفا توسط حزب‌الله تبدیل به آبکش شد، رژیم بدون آنکه خاکی از لبنان اشغال کرده باشد آتش‌بس را پذیرفت. پس آنچه دشمن در لبنان انجام داد؛ تنها حقیرانه‌ترین نوع تروریسم بود. ترور با بمب‌های چندده‌تنی و انفجارهای سایبری. رزمندگان حزب‌الله با آنچه که از تنشان باقی‌مانده بود جنگیدند، از روح سیدحسن فرمان گرفتند و موج‌های لبنانی همچنان علیه تل‌آویو و حیفا غربیدند. تا اینجای کار مقاومت خونین، اشک‌آلود، زخمی و غمگین است اما پیروز؛ ورضع دشمن چگونه است؟ درجنوب اسرائیل هنوز آسیزند و در شمال آوارگانش همچنان آواره.

حالا وقت آن بود که دشمن برگ آس خود را رو کند و دومینوی دروغین خود را به مهره سوم برساند و در شطرنج خیالی خود یک قدم دیگر به کیش و مات کردن شاه؛ که در منطق او ایران است، نزدیک شود. حکومت بشار اسد ظرف ۱۰ روز سقوط کرد. این سقوط نیز خصلتی شبیه ترورهای ضاحیه و بمباران‌های غزه داشت؛ نیازی به جنگ ورودرو نبود؛ با یک دکمه؛ همان‌گونه که صدها تن بمب بر سر غزه و ضاحیه فرو ریخت؛ هزاران تروریست به سمت دمشق روانه شدند؛ بی‌آنکه کسی سد راهشان شود. ظاهراً همچیز به نفع دشمن است. اما مشکل وقتی ایجاد می‌شود که به او یادآوری کنیم سوریه از اساس نیروی مقاومتی نداشت که بخواهد حذف بشود یا نشود! آنچه سوریه را به محور مقاومت پیوند می‌داد حکومت این کشور بود که زمینه را برای حضور مستشاران نظامی ایرانی و امکانات روسی و دیگر گروه‌های مقاومت همچون فلطمیون افغانستان فراهم می‌کرد. درواقع سوریه جایی برای حضور دیگر نیروهای مقاومت از دیگر کشورهای منطقه بود؛ خودش به شکل ملی و مردمی در راستای مقاومت فعالیت نمی‌کرد. سوریه، تازه آماده ایجاد مقاومت مردمی شد. مقاومتی دیرپا و نامیرا که همچون فرشته‌ای سیاوی، هرچه به سمتش سنگ پرتاب کنی از سویی دیگر ظاهر شود.

آنچه دشمن نمی‌فهمد و این نفهمیدن در دناک است، تنها متحصر به این نیست که او تا اینجا پیروز میدان نبوده؛ این را می‌فهمد! خودش می‌فهمد و روی نفهمیدن دیگران حساب باز می‌کند. آنچه دشمن امروز آن را نمی‌فهمد و متأسفانه هرگز نخواهد فهمید؛ این خصلت جریان حق و مقاومت اصیل است که طبق آن ماخلاف جریان سلطه‌نیازی به نیروی نیابتی نداریم؛ این مایم که به نیابت از هر انسان، گروه، حزب، ملت و دولت آزادی‌ای که سودای مقاومت داشته باشد می‌جنگیم! این مایم که حاضر نیستیم کسی به نیابت از ما و به جای ما قدم بر میدان‌های مین بگذارد! اگر نمی‌دانید ما وارث مکتبی هستیم که در آن زنی به نیابت از شوهر خود به پشت بلا بلا می‌رود. آن روز که مقاومت در فلسطین جریان داشت در ایران اصلا هنوز انقلاب نشده بود! امثال حمید باکری در سوریه توسط چه کسانی آموزش‌های چریکی دیدند، پیش از انقلاب و پیش از دفاع مقدس؟ کدام نیابت؟ زنان ما در حسینیه امام خمینی در پیرینگاه رهبرشان، شعار «لبیک یا نصرالله» سر می‌دهند. کسی به نیروی نیابتی لبیک نمی‌گوید. نکند ایران در پوستی و هرزگیون هم نیروی نیابتی داشت! اگر منطق ملی ما یا منطق دینی و مذهبی ما همسویی دارد؛ دلیل بر نیروی نیابتی داشتن ما نیست و اگر مجاهدان منطقه رهبر ما را ولی امر خود می‌بینند؛ ریشه در جذابیت بدون مرزی دارد که ۱۴۰۰ سال پیش محمدبن عبدالله را از یتیمی در حجاز ظرف چند سال به امیر سرتاسر جزیرةالعرب تبدیل کرد. از سوی ما اگر حمایت است؛ از سوی آن‌ها نیابت نیست. ما از لبنانا سخن از همتاهای مقاومت می‌گفتیم و همته عنصری مستقل است. نیابت هفتادساله رژیم غاصب از ایالات متحده در غرب آسیا نمی‌گذارد این حقیقت توسط او درک شود. جمهوری اسلامی ایران رهبری داشت که او رهبر خود را یک نوجوان سیزده ساله معرفی می‌کرد. امروز هم ایران نایب کودکان و نوجوانی است که عمری در کرانه و باریکه با سنگ به مصاف تانک رفتند. نیروی نیابتی خود ماییم! رهبر ما نایب مهدی است و ما نایب هر که در عالم جگر ظلم‌ستیزی داشته باشد.

جواد شاملو

مکث

آیا رمز ارزها جایگزین پول سنتی خواهند شد؟

رشد چشمگیر استفاده از ارزهای دیجیتال تنها به دلیل افزایش آگاهی عمومی از مزایای آن نبوده بلکه علت رشد آن، تحولات اقتصادی و تغییرات در سیاست‌های مالی کشورها به ویژه در دوران پس از پاندمی کرونا در شکل‌گیری این روند تاثیر قابل توجه داشته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، رمز ارزها در طی ۱۵ سال گذشته، از یک پدیده نوظهور در دنیای فناوری به یک جزء ضروری در نظام‌های مالی جهانی تبدیل شده‌اند. این تحولات، نه تنها در شکل‌گیری نحوه تعامل افراد با پول و دارایی‌ها تأثیرگذار بوده، بلکه باعث تغییرات عمیق در شیوه‌های سرمایه‌گذاری، تراکنش‌های بین‌المللی و حتی سیاست‌های مالی کشورها شده است.

بر اساس داده‌های منتشر شده در سال ۲۰۲۳، حدود ۴۲۰ میلیون نفر در سطح جهان از ارزهای دیجیتال استفاده می‌کردند که معادل ۶.۸ درصد از جمعیت جهانی است. این تعداد در سال ۲۰۲۴ به ۵۶۲ میلیون نفر افزایش یافته است. این رشد چشمگیر تنها به دلیل افزایش آگاهی عمومی از مزایای ارزهای دیجیتال نبوده، بلکه علت اصلی آن، تحولات اقتصادی و تغییرات در سیاست‌های مالی کشورها به ویژه در دوران پس از پاندمی کرونا بوده است.

رشد در مناطق مختلف

در سطح منطقه‌ای، کشورهای مختلف، با شرایط اقتصادی، سیاسی و فناوری متفاوت، نقش‌های غیر یکسانی در پذیرش ارزهای دیجیتال ایفا کرده‌اند. در کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده و چین، علی‌رغم محدودیت‌های نظارتی شدید و قوانین سختگیرانه، شاهد رونق قابل توجهی در استفاده از رمز ارزها بوده‌ایم. ایالات متحده با توجه به پیشرو بودن در زمینه فناوری و نوآوری، در صدر کشورهای پذیرنده از رمز ارزها قرار دارد، اما به دلیل قوانین پیچیده مالی، نگرانی‌های امنیتی و مقررات مالی، رشد رمز ارزها در این کشور با چالش‌هایی روبرو بوده است.

در مقابل، کشورهای در حال توسعه نظیر برزیل، هند و نیجریه شاهد رشد تصاعدی در پذیرش ارزهای دیجیتال بوده‌اند به عنوان مثال در برزیل، ارزهای دیجیتال به عنوان یک ابزار برای حفظ ارزش دارایی در برابر تورم بالا و نوسانات اقتصادی استفاده می‌شوند. هند نیز به دلیل دسترسی محدود به خدمات مالی سنتی، توجه زیادی به ارزهای دیجیتال داشته است. طبق گزارش‌ها در هند، ۱۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۳ از رمز ارزها استفاده کرده‌اند و این رقم همچنان در حال رشد است.

دلایل رشد در کشورهای در حال توسعه

رشد سریع ارزهای دیجیتال در کشورهای در حال توسعه به عوامل متعددی بستگی دارد:

۱. دسترسی به اینترنت و تکنولوژی: در کشورهای در حال توسعه، توسعه دسترسی به اینترنت و فناوری‌های دیجیتال، بستری مناسب برای گسترش استفاده از ارزهای دیجیتال فراهم کرده است. به ویژه در آفریقا و بخش‌هایی از آسیا، نرخ استفاده از اینترنت موبایل به سرعت در حال افزایش است که این امر باعث تسهیل انتقال ارزهای دیجیتال شده است.

۲. کمبود دسترسی به خدمات مالی سنتی: در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بخش زیادی از جمعیت از دسترسی به خدمات بانکی و مالی رسمی محروم هستند. این افراد برای انجام تراکنش‌های مالی به روش‌های غیررسمی و ارزهای دیجیتال روی آورده‌اند. بر اساس گزارش‌ها، حدود ۱.۷ میلیارد نفر در سراسر جهان فاقد حساب بانکی هستند و این کمبود دسترسی به ویژه در مناطق روستایی و کم‌درآمد، نیاز به راه‌حل‌های دیجیتال را افزایش داده است.

۳. حفاظت در برابر تورم و بحران‌های اقتصادی: در کشورهای با تورم بالا و بحران‌های اقتصادی مکرر، ارزهای دیجیتال به عنوان یک پناهگاه امن برای حفظ ارزش دارایی‌های شخصی استفاده می‌شوند. برای مثال در ونزوئلا و زیمبابوه، مردم به طور فزاینده‌ای به استفاده از بیت‌کوین و سایر ارزهای دیجیتال روی آورده‌اند تا از کاهش ارزش پول ملی خود جلوگیری کنند.

آینده ارزهای دیجیتال

آینده ارزهای دیجیتال به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، لیدرکننده به نظر می‌رسد. با این حال، رشد این بازار نیازمند توسعه زیرساخت‌های قانونی و نظارتی است. بسیاری از کشورها از جمله ایران در حال تدوین قوانین جدید برای نظارت بر استفاده از ارزهای دیجیتال هستند تا از مسائل امنیتی و تقلب‌های مالی جلوگیری کنند به علاوه، سازمان‌های مالی بین‌المللی، همچون صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی در حال مطالعه و بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این فناوری هستند.

از سوی دیگر، پذیرش گسترده‌تر ارزهای دیجیتال به زیرساخت‌های فنی و امنیتی قوی نیاز دارد. تقویت امنیت سایبری و جلوگیری از حملات هکری به بسترهای مالی دیجیتال، از جمله چالش‌های اساسی پیش روی این صنعت است.

پیش‌بینی می‌شود با توجه به روند جاری، ارزهای دیجیتال به طور فزاینده‌ای به بخشی جدایی‌ناپذیر از سیستم‌های مالی جهانی تبدیل شوند. اما برای تحقق این امر، باید هم‌راستایی بین سیاست‌گذاران، توسعه‌دهندگان فناوری و موسسات مالی جهانی ایجاد شود تا ضمن حفظ امنیت، بسترهای قانونی و مالی مناسبی برای استفاده از ارزهای دیجیتال فراهم شود.